

تاریخچه، دوره ها و آسیب شناسی جنبش های دانشجویی
گوشه ای از سخنرانی استاد سید عباس صالحی
در دانشگاه گیلان سال ۱۳۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

واژه «جنبش دانشجویی»، واژه کهنه‌ای نیست، بلکه واژه‌ای است که در ادبیات جنبش‌های سیاسی و جامعه‌شناسی عمدتاً از دهه ۷۰ مطرح شده است. البته فعالیت‌های دانشجویی، فعالیت‌های سیاسی یا صنفی دانشجویی، سابقه‌ای قدیمی دارد. در دیدگاه روشنفکران غرب دانشجوی دارای چند خصیصه است که عبارتند از:
۱- خصیصه سنتی؛

دانشجویان جوان هستند و جوانی برای خود ویژگی‌هایی دارد. عمده‌ترین ویژگی جوانی این است که جوانی سن هیجان‌ها و انرژی‌های متراکم است که می‌خواهند این انرژی متراکم و هیجان انباشته را در جایی تخلیه کند و لذا سن دانشجویی، سن مقتضی تحرک و حرکت‌های انقلابی است.

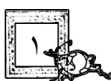
۲- ویژگی معرفتی؛

چون دانشجو با معرفت‌ها و اطلاعات تازه سر و کار دارد و از لحاظ روشی نیز متد انتقادی و تحلیلی را دنبال می‌کند، لذا به وضع موجود رضایت نمی‌دهد و با آن درگیر است. پرسشگر و منتقد است و این ویژگی باعث می‌شود که دانشجو به عنوان محور اصلی تحرکات اجتماعی شناخته شود.

۳- دانشجو محافظه‌کار نیست؛

کسانی مثل «مارکوزه» و دیگران می‌گفتند که طبقات اجتماعی به علت وابستگی به کار، شغل و درآمد، محافظه‌کاراند، اما دانشجو چون کار و اشتغال ندارد، محافظه‌کار نیست؛ آرمان‌خواه است؛ و در راه آرمانش هزینه می‌کند و به هزینه کردن، راحت رو می‌آورد.

دانشجو... ،
محافظه‌کار نیست؛ آرمان‌خواه است



* جنبش دانشجویی در ایران

حرکت دانشجویی در ایران دو مقطع متمایز دارد. یک مقطع قبل و یک مقطع بعد از انقلاب است. در مقطع قبل از انقلاب، حرکت‌های دانشجویی در ایران، با چند گرایش فکری مشخص همراه بوده است. گرایش افراد چپ و مارکسیستی که یک گرایش قدیمی دانشجویی در ایران است و در داخل کشور دو قالب عمده داشت؛ یکی گرایش‌های مارکسیستی نزدیک به حزب توده بوده است و از دهه ۵۰ به بعد گرایش‌های مارکسیستی چریکی، یا مبارزه مسلحانه قابل توجه‌اند. در این حرکات مارکسیستی - کمونیستی نقش دانشجویان، نقش بسیار واضحی بوده و عناصر اصلی قابل توجهی از نیروهای انسانی آن را در ایران از دهه ۲۰ شمسی به بعد دانشجویان تشکیل می‌دادند، وقتی سابقه تشکیلات چپ را در ایران مورد ملاحظه قرار می‌دهیم، عمدتاً یا دانشجو یا فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها هستند. به عنوان نمونه سازمان چریک‌های فدایی خلق.

گروه دوم، فعالیت‌های دانشجویی گروه‌هایی بودند که از دهه ۳۰ شمسی به فعالیت پرداخته بودند. این گروه‌های نیز نقش قابل توجهی در حرکت‌های دانشجویی دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ شمسی داشتند.

جریان سوم، جریان مذهبی در دانشگاه‌هاست که در ابتدا در دانشگاه‌ها حضور مشخصی نداشت، جو مذهبی و فعالیت‌های مذهبی در دانشگاه‌ها در ابتدا با یک رکود قابل توجه همراه بود. در محیط‌های دانشگاهی، مذهب از دو طرف تحت فشار بود، هم از طرف جریان مارکسیست‌ها که مذهب را افیون توده‌ها می‌دانستند و هم از طرف رژیم. لذا مذهبی‌ها در دانشگاه در دهه ۳۰ ش در یک وضع بسیار سختی به سر می‌بردند و نمود آنها نیز در محیط‌های دانشگاهی زیاد نبود.

در شهریور ۴۰ کنگره انجمن‌های اسلامی دانشگاهی در تهران شکل می‌گیرد و در این کنگره کسانی مثل علامه طباطبائی(ره)، شهید مطهری(ره)، مرحوم طالقانی(ره) و عده‌ای دیگر حضور دارند. از این مقطع در داخل کشور، فعالیت جریان‌های اسلامی بیشتر و بیشتر می‌شود.

تعداد مذهبی‌ها در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های آن زمان بسیار کم و عرصه فعالیت‌های آنها نیز بسیار محدود بود. به مرور وقتی جلوتر می‌آییم، زمینه برای فعالیت مسلمان‌ها در دانشگاه بیشتر و بیشتر می‌شود. تا اینکه در دهه ۴۰ شاهد تشکیل انجمن اسلامی در حدود ۱۵ دانشگاه یا دانشکده کشور هستیم. در شهریور ۴۰ کنگره انجمن‌های اسلامی دانشگاهی در تهران شکل می‌گیرد و در این کنگره کسانی مثل علامه طباطبائی (ره)، شهید مطهری (ره)، مرحوم طالقانی (ره) و عده‌ای دیگر حضور دارند. از این مقطع در داخل کشور، فعالیت جریان‌های اسلامی بیشتر و بیشتر می‌شود.

در خارج از کشور نیز شاهد دو انجمن اسلامی فعال، یکی در اروپا و یکی در آمریکا هستیم. در سال ۴۵ ش دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا، زمانی که شهید بهشتی (ره) در مسجد هامبورگ آلمان به ایفای تبلیغ دینی و مذهبی می‌پردازد، با پیام افتتاحیه شهید بهشتی (ره)، شکل می‌گیرد و تا سال ۴۹ که شهید بهشتی (ره) در آلمان هستند، این انجمن اسلامی با ارتباط با ایشان تا مقطع انقلاب ادامه کار می‌دهد. انجمن فعال دیگری که در خارج از کشور بود، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا است. آقای دکتر چمران و دکتر یزدی، از مؤسسين این انجمن هستند. (در سال ۴۲) و از سال ۴۶ به بعد به عنوان یک انجمن اسلامی فعال خارج از کشور عمل می‌کند.

* فعال شدن جنبش دانشجویی مذهبی

در مجموع هر چه ما از فضای دهه‌های ۲۰ و ۳۰ به طرف دهه ۵۰، نزدیکتر می‌شویم، حضور جریان مذهبی در فعالیت‌های دانشجویی، ملموس‌تر می‌شود، به طوری که محیط‌ها و فعالیت‌های دانشگاهی در دهه ۳۰ عمدتاً در اختیار توده‌ای‌ها و ملی‌گراها بود. اما وقتی به طرف دهه ۵۰ می‌آییم نسبت کاملاً معکوس شده و یا حداقل تغییر جدی پیدا می‌کند. کسانی که در ۱۶ آذر سال ۳۲ش به دست رژیم شاه کشته می‌شوند، کسانی هستند که بعضاً تمایلات توده‌ای داشته و ملی‌گرا بودند. در جریان مذهبی حوادث دهه ۳۰ شمسی حضور دانشجویان مذهبی و توده‌ای قابل توجه است. کسانی مانند فدائیان اسلام، آیت‌الله کاشانی و ... در فضای دانشگاه در اقلیت هستند. هر چه جلوتر می‌آییم و به دهه ۵۰ می‌رسیم، نشاط

جنبش دانشجویی مذهبی بیشتر می‌شود. آنچه که معادله را در فضای دانشگاه به نفع مذهبپون سنگین تر کرد، به چند عامل وابسته است:

عامل اول: تعداد جمعیت دانشجو بود؛ حرکتی که رژیم شاه به طرف تحصیلات رایگان و بعد به طرف تحصیلات عالی انجام داد، باعث شد اقشار بیشتری وارد دانشگاه شوند؛ دانشگاه که در سال ۳۹ حدود ۲۰ هزار نفر دانشجو داشت، در مقطع پیروزی انقلاب اسلامی و سال ۵۷ حدود ۱۶۰ هزار دانشجو دارد. لذا طبقات متوسط مذهبی هم وارد دانشگاه شدند. این از نظر قشرشناسی اجتماعی و پایگاه اجتماعی قابل توجه و بررسی است.

عامل دوم: موج ادبیات و مذهبی‌سازی «دکتر شریعتی» بود که در دهه ۵۰ ش در مذهبی‌سازی فضای دانشگاه نقش قابل توجهی داشت.

عامل سوم: نهضت امام خمینی (ره) بود؛ که با «ایدئولوژی اسلام»، «استراتژی نفی رژیم شاه» و تاکتیک «آگاهی‌بخشی به مردم»، سه ضلع مبارزه امام (ره) را تشکیل می‌داد؛ ایدئولوژی اسلام چیزی بود که نهضت امام (ره) را از جریان مارکسیستی و چپ، جدا می‌کرد. استراتژی نفی رژیم شاه، چیزی بود که امام (ره) را از حرکت‌های ملی‌گراها و دیگرانی که نگاهشان، نگاه قانون اساسی مشروطیت و حفظ رژیم شاه بود، جدا می‌کرد. تاکتیک ایشان آگاهی‌بخشی به مردم بود نه مبارزه مسلحانه. امام (ره) هیچ وقت به مبارزه مسلحانه اعتقادی پیدا نکرد و آن را تأیید نکرد. علی‌رغم اینکه دهه ۵۰ ش دهه خاصی است، چرا که انقلاب کوبا، پیروز شده است؛ انقلاب ویتنام در جریان است.؛ لذا تب و تاب مبارزه مسلحانه در ایران زیاد بود. به همین دلیل در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، گروه‌های چریکی متعددی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، در ایران شکل گرفت. غیر مذهبی‌ها مثل «سازمان چریک‌های فدایی خلق» و مذهبی‌ها شامل «سازمان مجاهدین خلق ایران» و گروه‌های کوچک دیگری نیز بودند. اما تاکتیک امام خمینی (ره)، آگاهی به توده‌ها بود. یعنی اگر ما به سراغ مبارزه مسلحانه برویم هم خودمان را تلف می‌کنیم و هم مردم را، مردم باید به نقطه آگاهی برسند. در دهه ۴۰ کسانی بودند که نسبت به برخی از اینها تا حدودی تردیدهایی داشتند، اما هر چه به سمت انقلاب می‌آییم؛ درستی و کارآمدی این اضلاع سه‌گانه، بیشتر خودش را نشان می‌داد و اینها باعث می‌شد که جریان دانشجویی به نهضت امام خمینی (ره) متصل تر بشود و

همه اینها باعث می‌شد که جنبش دانشجویی مذهبی، یکی از ارکان اصلی تأسیس انقلاب اسلامی باشد. این گام اول جنبش دانشجویی در ایران است، که یک جنبش اجتماعی با پل زدن به افشار دیگر جامعه، می‌تواند انقلابی اجتماعی ایجاد کند.

دانشگاه‌ها را در سال‌های ۵۶ و ۵۷، کانون تظاهرات، اعتصابات و بیانیه‌ها می‌دانیم و حتی مفاهیمی مثل «بست‌نشینی»، که یک مفهوم تاریخی در کشور ماست و به «مشروطه» و قبل از آن باز می‌گردد. در برخی مواقع مردم به خاطر اینکه از شر حکومت و قدرت‌های جابر محفوظ بمانند، بست می‌نشینند که معمولاً بست‌نشستن‌ها در مراکز مذهبی و خانه علما بود. به عنوان نمونه، سال ۵۷ حتی روحانیون و علما نیز در دانشگاه تهران تحصن می‌کنند، و این نشان می‌دهد که فضای تاریخی بست‌نشینی، متحول شده و از محیط‌های سنتی به دانشگاه تغییر یافته است، و چنین جایی به عنوان محل بست شناخته می‌شود. و به نظر می‌رسد که این اولین گام جنبش دانشجویی و به عبارتی گام اول در تأسیس انقلاب اسلامی است. این جنبش تا مقطع سال‌های ۵۶ و ۵۷ حرکت می‌کند و با افشار دیگر پیوند می‌خورد و منشأ پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود.

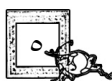
* جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در سالهای اول انقلاب اسلامی، در موج مذهبی مدافع نظام، دانشگاهها کارهای مهمی را متحمل شده اند:

۱) اینکه دانشگاه، منشاء تأسیس نهادهای انقلابی شد. اگر به سابقه نهادهای انقلابی نظر کنیم، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، هیأت‌های ۷ نفره، بنیاد مستضعفان، حوزه هنری و نهادهای دیگر درمی‌یابیم که حدود ۹۰-۸۰ درصد این نهادها توسط دانشجویان تأسیس شدند و شکل گرفتند.

۲) تأثیرگذاری دانشگاه در فضای دفاع مقدس و اینکه دانشگاه با فضای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، پیوند عمیقی پیدا کرد و بخش قابل توجهی از دانشجویان کشور، در حفظ

دانشگاه، منشاء تأسیس نهادهای انقلابی شد. جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، هیأت‌های ۷ نفره، بنیاد مستضعفان، حوزه هنری و نهادهای دیگر...



تمامیت و کیان کشور، نقش اساسی داشتند. آن روزها هیچ کس از ما دفاع نمی کرد. شرایط بسیار سختی داشتیم. اما در عین حال آنچه که باعث شد یک وجب از خاک این کشور کم نشود این بود که افشار اجتماعی به طور عام و دانشجویان به طور خاص، سهم خاصی در این ۸ سال داشتند، به خصوص در سال‌های اولیه جنگ که روزهای سختی بود. هیچ کس آمادگی چنین جنگ گسترده‌ای را نداشت. سریال «خاک سرخ» گوشه‌ای از این فضاها را نشان داد. شرایطی غیر مهیا برای همه مردم بدون تجهیزات مشخص و آماده، چرا که انقلاب صورت گرفته بود.

علاوه بر این دو مسأله دیگر داریم: یکی «تسخیر لانه جاسوسی» و دیگری بحث «انقلاب فرهنگی» آنچه در اینجا مطرح است این است که جریان لانه جاسوسی در آن شرایط خاص حرکتی بود که از حمایت روانی و عاطفی کل ملت، برخوردار شد. اگر سن کسی سال ۵۸ را اقتضا نکند، نمی تواند درک کند که چگونه مردم با تمام وجود، از این حرکت دانشجویی، حمایت کردند.

در آن زمان، جامعه ما کودتای ۲۸ مرداد را در سابقه خود داشت. کودتایی بود که آمریکایی‌ها نقش اساسی در آن داشتند و پیامد آن ۲۵ سال سلطه آمریکایی‌ها بر ایران بود و مردم ایران با گوشت و پوست و استخوانشان می دیدند که آمریکایی‌ها بر سرنوشت و جودشان حاکم هستند. این تعبیری است که در صحبت و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) آمده است که گروهان آمریکایی از شاه ایرانی بالاتر به نظر می آمد. این تعبیر اغراق آمیز نبود. در پادگان‌های مختلفی که مستشاران آمریکایی حضور داشتند، این تفوق کلامی، تفوق وجودی و تفوق منزلتی - مرتبتی خود را نشان می دادند.

هنگامیکه دانشجویان ایرانی، وارد لانه جاسوسی شدند و خبرش از رادیو و تلویزیون اعلام شد، موجی از مسرت، جنبش اجتماعی کل کشور را فرا بگیرد. جریان لانه جاسوسی، که «انقلاب دوم» نام گرفت، گرچه از ۴ دانشگاه شروع شد و البته برخی از مسئولین قبلی و فعلی سیاسی ایران نیز از دانشجویان آن زمان بودند و در آن فعالیت‌ها نقش اساسی داشتند، اما کل فضای جامعه در اثر آن یک تحرک قابل توجهی پیدا کرد. این حرکت

دانشجویی، یعنی تسخیر لانه جاسوسی، گرچه یک جنبش داخلی بود اما برای خود آثار قابل توجهی داشت. و هم فضای داخلی و هم ارتباط خارجی انقلاب را، وارد فضای جدیدی کرد.

* جنبش دانشجویی پس از جنگ و ارتحال امام(ره)

در دهه دوم انقلاب اسلامی، یعنی بعد از پایان جنگ و ارتحال امام(ره)، در دانشگاه‌ها شاهد فعالیت‌های سیاسی هستیم و جریان‌های راست و چپ دانشجویی در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند، اما چیزی به عنوان جنبش دانشجویی نمی‌بینیم. در این دوره، بر خلاف دهه اول به طرف ایجاد یک جنبش سیاسی حرکت نمی‌کنند. دلیل این عدم حرکت فضایی است که در نگاه دوره سازندگی وجود دارد مبنی بر اینکه «دانشگاه کارخانه دانش‌سازی است»، و «دانشجوی خوب، دانشجوی درس‌خوان است». این تحلیل، مناسب با گفتمان سازندگی و ترقی بود و مجالی برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در دانشگاه‌ها قائل نبود.

* رویش جنبش دانشجویی جدید

به نظر می‌رسد که یک جنبش سوم دانشجویی، ممکن الحصول است و عمر جنبش‌های دانشجویی در ایران پایان نیافته است. علی‌رغم اینکه جنبش

دانشجویی در ایران از سال‌های ۵۹ و ۵۸ پس از فتح لانه جاسوسی، با رکود مواجه بوده است، اما زمینه جنبش دیگر اجتماعی، توسط دانشجویان هست لکن این جنبش شرایط و تمهیدات خودش را دارد. تفاوت این جنبش با جنبش اول دانشجویی که در تأسیس انقلاب اسلامی نقش داشت این است که این جنبش می‌تواند در تعمیق انقلاب اسلامی نقش داشته باشد. جنبشی که رهبری انقلاب با عنوان عدالت‌خواهی از آن یاد می‌کنند و اخیراً مورد تأکید ایشان قرار گرفته است. ایشان اظهار می‌کنند که از دانشجویان متوقع هستند که این حرکت را دنبال کنند و آن را پی‌بگیرند.

جنبش عدالت‌خواهی چند ویژگی دارد که به آنها اشاره می‌کنم:

*ویژگی اول: مفهوم عدالت، مفهومی متکثر و چند ضلعی است. جنبش عدالت‌خواهی در فضای دانشجویی اجتماعی، مفهومی متکثر و چند ضلعی است.

*ویژگی دوم: جنبش‌های دانشجویی وقتی استقرار پیدا می‌کنند که با نیازهای اجتماعی پیوند بیابند؛

امروز جنبش عدالت‌خواهی از این جهت می‌تواند گسترش پیدا کند که با نیاز اجتماعی پیوند دارد.

جنبش عدالت‌خواهی
جنبش سوم دانشجویی...

*ویژگی سوم: جنبش عدالت‌خواهی هم مرجع‌های دینی و هم تاریخی در کشور ما دارد. جنبش آزادی‌خواهی، به مفهوم جدیدش، دو سه قرن سابقه دارد، اما جنبش عدالت‌خواهی، جنبشی با سابقه تاریخی است که از ریشه‌های بنیادین دینی برخوردار است و می‌تواند برای دانشجویان و جامعه ما، بسترسازی کند. اگر بخواهیم منابع دینی‌مان را با نگاه پارادایم عدالت دنبال کنیم، چنان انباشته و سرشار است که می‌تواند یک وجه معرفتی جدید یا حداقل بازسازی معرفتی جدید به ما بدهد. امروز زمینه‌های این نظریه‌پردازی و این نظریه‌سازی، فراهم شده است.

به طور خلاصه اینکه، جنبش دانشجویی در ایران در دو جنبش؛ در مرحله اول «تأسیس انقلاب اسلامی»، و در مرحله دیگر در دهه اول انقلاب اسلامی در حرکتی مثل حرکت «تسخیر لانه جاسوسی» و بحث «انقلاب فرهنگی»، نقش اساسی داشته است. این جنبش در شرایط فعلی در غالب جنبش عدالت‌خواهی، جنبشی برتر و فراگیرتر است، به شرط اینکه از عدالت تفسیری یک‌بعدی نشود و به اضلاع عدالت دقیقاً توجه شود و ریشه‌های این تفکر عدالت‌خواهانه دقیقاً تبیین و آسیب‌هایی که می‌تواند به این جنبش عدالت‌خواهانه، چه از برون و چه از درون برسد، شناسایی شود و جلوی آنها گرفته شود. آسیب‌های برونی، عمدتاً عبارت است از عدم تحمل نظام و کارگزاران نظام. جنبش عدالت‌خواهی، برای تعمیق نظام است. اگر رهبران نظام اجتماعی احساس کنند که این جنبش در برابر آنهاست، جنبش را با عدم توفیق نسبی همراه می‌کند. چرا که این جنبش آپوزسیون و برانداز نیست

بلکه جنبشی تعمیق‌بخش است. لذا باید در سطح مسئولان نظام، رهبران و کارگزاران نظام، ادبیات پذیرش عدالت فراهم شده یا گسترش داده شود. و از طرف دیگر کسانی هم که از عدالت سخن می‌گویند و عدالت را ترویج می‌کنند، باید توجه داشته باشند که این جنبش اجتماعی آسیب‌هایی از قبیل تهدیدگری، افشاگری، گسترش روحیهٔ یأس و بدبینی یا مسائلی از این قبیل را به همراه نداشته باشد.

منبع: سایت باشگاه اندیشه

